

سبک‌های موسیقی:  
American Trad Rock / Adult Alternative

# کانتینگ کروز

## Counting Crows



## این دور و برها اسم شایمان را حک می‌کنیم

گرماتوریوترجمه سهراب محبی، شروین شهابی پور

### این دور و برها Round here

از تَر روزهای بیرون می‌دانی  
مثل شبی در مه  
جایی که هیچ‌کس  
به تعداد سفید بر سفید  
پس نمی‌برد  
و میان تو و ماه  
فرشتگان بهتر می‌بسته  
اختلاف شکننده خوب و بد را  
و من  
در هوا، میان باران راه می‌روم  
به درون خودم و بازمی‌گردم  
کجا؟  
نمی‌دانم  
مارا با گفت:  
دارد می‌میرد  
صدای گریه‌اش را  
از لای در شنیدم  
چرا؟  
نمی‌دانم  
این دور و برها  
همیشه راست می‌ایستیم

این دور و برها  
چیزی پرتوگشایی می‌کند  
مارا از نشوین آمد  
با چمدانی در دست  
گفت: دوست دارم پسری ببینم  
شبه الویس  
راه می‌رفت بر آن موزی‌گه  
دریا به ساحل می‌رسید  
مثل بنیازاری در صبرک  
مانشیش با جلوی خانام پارک کود  
لباس‌هایش را درآورد  
می‌گفت به اندراک مسیح نزدیک است  
اما می‌دانست  
این بیشتر از تنها سوسه‌تفاهمی کوچک است  
وقتی عصبی بود  
به سختی صدای رفتار می‌کرد  
این دور و برها  
اسم‌هایمان را حک می‌کنیم  
این دور و برها  
همه مثل همین  
این دور و برها

مثل شیر حرفه می‌زنیم  
اما مثل بره فداکاری می‌کنیم  
این دور و برها  
او از میان انگشتانم سر می‌خورد  
—  
په‌های خواب آلود، باید مثل یاد بلدوند  
به بیرون از دریای آرزوش  
بچه کوچک مامان  
بهرت هستم، از زوایای زعد و برقی  
خود را بیرون بکشد  
می‌گفت: فقط توی سزومه  
می‌گفت: هیس، می‌دونم  
فقط توی سزومه  
اما دختری توی ماشین در پارکینگ  
گفت: سعی کن ده شات بزنی  
نمی‌بینی؟ دوازده‌ایم دارند می‌ریزند  
سرش را بالا گرفت و به ساغتمان نگاه کرد  
می‌گفت: تو فکر پریدنه  
می‌گفت از زندگی خسته شده  
باید از چیزی خسته باشه  
این دور و برها

همیشه به یادشم  
این دور و برها  
خیلی وقت دارم  
این دور و برها  
هیچ وقت زود به رختخواب نمی‌فرستمان  
هیچ کس ما را منتظر نمی‌گذارد  
این دور و برها  
خیلی، خیلی، زیاد بیدار می‌مانیم  
هیچ چیز نمی‌بینم  
هیچ چیز  
در این دور و برها  
مرا بگیر، وقتی می‌انتم  
مرا بگیر، وقتی می‌انتم  
مرا بگیر چون این دور و برها  
دارم می‌انتم  
گفتم: زیر سایه تفنیم  
بی‌گناهم، زیر سایه تفنیم  
این دور و برها  
و هیچ چیز نمی‌بینم  
هیچ چیز  
این دور و برها

بگردان شهر، لاسه ای...

# آدام دیوریتز Adam Durits

## نمی توانم به هشیاری ام مرخصی بدهم

و تلخ تر خورد و نوره‌های بی‌وقفه شروع شد. خودش می‌گوید: «این موقعیت ناگهانی برایم ناشی همچون فرو بردن گشتن‌شان درون توده‌ی ماسه‌ی ناگهانی»

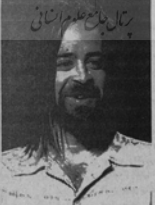
دیوریتز هنوز هم با مساجت شبانه‌ی کارهایش را گرفته است. اما روحیه‌ی پرشور و جست‌وجوگر، او گفت‌وگویش با ما خبرنگتر از به بحث درباره‌ی نوعا و اجتماعی که به قلب او نزدیکتر است می‌گذارد. بی‌خوابی، روابط شکست خورده، سینما، رشد و نمو در برکلی، کالیفرنیا و البته موسیقی. موسیقی آلبوم جدید گروه با نام *This Desert Life* دارای تنظیم خونگونی پیچیده، صداهای غیرعادی سازهای زهی، شامبی سوررئالیستی و فرم‌های روانگر ذهنی (Psychedelic) نسبت به شیوه‌ی کلاسیک *Post-Rock* است. نتیجه نفس‌گیر است. شاید قوی‌ترین اثر گروه تا به امروز باشد. اگر نخستین تجربه‌ی گروه در ۱۹۹۳ ناماً در مورد زمین و ستارگان بود. *Desert* آلفی صنعتی می‌گذارد که هر قلب مشتاقی را متنبی، از می‌خواند. گفت‌وگویش با ما بخوابیم:

تو بدون هیچ آهنگی به استودیوی ضبط رفتی. این شیوه‌ی جدید کار کردن توست. درست است؟

آری. فکر کنم در اولین آلبوم حس کردم ما می‌خواهیم یاد بگیریم همان طور که به یکدیگر گوش می‌دهیم، بتوانیم بتوانیم و به دیگری واکنش نشان دهیم. برای همین صدای نوشتن ما در آلبوم اول آهسته بود چون این تنها راهی بود که باید بتوانیم ولی در آلبوم بعدی صدای بلندتر شد ولی آن کار را در تمام دیگرها به طور خودکار هنگام نوشتن توجه‌مان به یکدیگر بود. حالا حتی نوری خواب هم می‌توانیم این کار را کنیم. کتری که می‌خوشتم بکنم این بود که با این صداها و صداهای جدید کار کنم، کار کردن با آهنگهایی که منقلب با آنی باشد.

که در استودیو تمرین می‌کنی. در استودیوی تمرین، تو

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



باید یک آهنگ را همان طور برای که می‌نویسی و تمام راندا را امتحان کنی. ولی در ضبط آزادی هر کاری که می‌خواهی بکنی. مجبور نیستی از یک گیتار برای همه کارها استفاده کنی. اگر می‌خواهی می‌توانی با چهار صدای مختلف یا نه قسمت مجزا ضبط کنی. با این عمل امکان آن را می‌دانی که شیوه‌ی نوشتن یک قطعه را نشان دهی. من می‌خواستم این آزادی بر تصنیف‌های من هم تأثیر بگذارد. می‌توانی نوشتن فشار زیادی به من وارد می‌کند. چون گروه باید هر روز چیزی داشته باشد تا کار کند.

باید کمی ترسناک باشد که تنها با چیزی که نوری قلب و سرت است وارد استودیو بشوی.

هنگام وارد شدن ترس داشت. تقریباً یک هفته بعد ترسناک شد. (می‌خندد) اولش این طور بودم. این حاله این خلایق نیست؟ و تقریباً یک هفته چنین بود. خوب، حالا بهتره که با یک قطعه وارد استودیو بشی. ولی خوب بود. خوب تر آب درآمد. در وسط کار، من واقعاً شروع به نوشتن کردم و آهنگها را بیرون می‌آوردم. *Mrs. Potter* را نظرف دو هفته نوشتم و در نوروز *Colorblind* و *Four Days* و در روز بعد *Kids Thing*

قطعات به نوبه‌ی جدا از هم و پراکنده هستند و مفهوم واقعی اسم آلبوم *This Desert Life* را به خوبی القا می‌کند. واقعاً به نامگذاری آلبوم بود.

این اسم از آخرین تکه *High Life* گرفته شده. این قطعه به نوبه‌ی جایگاه خود نوشته است. فکر می‌کنم *High Life* و *Hism* هم *Mrs. Potter* فاستر از زندگی‌نامه‌ی برای خودم باشد. در *High Life* در مورد زندگی‌های من نوشتم که به هنگام ورود به لس‌آنجلس آن وقت می‌ردم ولی به نوبه‌ی هم مرا خسته می‌کرد.

بدم می‌آید که چیز جالبی خواندم مردم فکر می‌کنند که لس‌آنجلس بهشت است. در حالی واقعاً فقط یک کور است که کسی تصمیم گرفته در آن یک شهر بسازد.

وقتی اولین بار به لس‌آنجلس آمدم به نظرم بسیار رنگارنگ و سرشار از زندگی بود. برای کسی مثل من در آن موقعیت تمامی درها باز بود. وقتی آن آهنگ را می‌نوشتم وقت زیادی را با یکی از دوستانتان *Circle* از *Tate* از گروه *Penny Zero* می‌گذراندم. تو زیاد به غذا من می‌آمد. او نرنگ *Life in Rain* را برای همسرش نوشته بود. فکر کردم که در لحظات سروندش چقدر شاد بوده، من هم سعی کردم که لحظات مشابهی و بی‌تظیر و نوره‌های درخشان خود را به یاد آورم. برایم سخت بود که چیزی از آن را انتخاب کنم. سپس سعی کردم این نوره‌های درخشان را با ایده‌ی کویز کنار هم بگذارم. همه چیز مرا خسته و کلافه می‌کرد. در مورد همین کویز بگویم: برخی از مردم فکر می‌کنند که کویز متگنی مرده است اما بسیاری دیگر می‌فهمند که در هیچ‌جای دیگر

دیوریتز می‌گوید: «می‌خواستم با آن آلبومها نشانم را بگذارم و بگویم که من این‌جا هستم از بسیاری از چیزها فرزندگی‌ام مهم‌تر بود. هنوز هم هست. احساسه است. از همه چیز فرزندگی‌ام برای من مهم‌تر است»

Agust and Everything After شهرت را برای او به ارمان آورد. ناگهان به زیر پرتو نور افکن‌های سفید

این همه زندگی وجود ندارد کنی اجلس هم این گوژاک است می نوستم بگویم که آن جا شهری بیروح و خالی است. اما برای من یک اچتخاق واقعی هنرمندان است و من در بین آدمهای واقعاً جالب احاطه شده بودم در آهنگهای همیشه کمی گچی غلیظه آکسود در روابط و خیالات موج میزند اصلاً خودت از عاشق بودن و تنها بودن چه در یافته می؟

گاهی نوظات زندگی برابم مثل یک رویاست و در آن لحظاتی رویایی دلم می خواد حس می هم از واقعیت داشته باشم اصلاً مشکل من این است که زندگی ام در موسیقی به شکل رویاست می قسم که باید در ندیای واقعیت باشم مسئول و منتقلی ولی من کارهایی را می کنم که زمانی رویایشان را دیدم بسیاری از این رویاها منتقل به کودکی من شد بعضی از جعها رویایشان فشارد شدن است من این آن فشارد هستم من آن چیزی هستم که در کودکی روی روی آینه نقاشی را درمی آوردم یک راکت تنیس داشتم و با آن آهنگهای بیشتر را می خواندم و حالا آن آدم هستم الان رجعها روی روی آینه می ایستد و اما می مرا فرمی آورد پیدا این که لذتی که رویاهای کوچکشان آهنگهای مرا میزند خوب بگو بینم چطور می توکم در واقعیت باشم وقتی که چنین زندگی می تارم؟ همه را کردن این روحیه در روابط با آدمهای دیگر باید سخت باشد

نمی دلم من با آدمهای عجیب زیادی بودم شاید نه عجیب تر از خودم ولی به حد کافی عجیب بودم. آیا به تازگی با کسی آشنا شدی؟ آره همین تازگی ها او یک موسیقین است می دلم که همیشه چنین سوالی از تو می شود آبیوم جدید چقدر زیاده کار حال خودت است؟ تماش همشان در مورد خودم اگر در مورد چیز دیگری می باشد نمی دلم من که نمی نوستم مرتباً مثل شما بنویس و ولی می توکم بسیاری چیزها در مورد خودم بگویم

یک فیلم هم تهیه کرده ای راجع به آن بگو چند سال پیش بود که The Locust (ملغ) را ساختی به یک سری از دوستام کمک کردم و در کل پروژه هم نظر می دلم و دخالت داشتم من پول گذاشتم و در برهه ای کار و پیدا کردن بازیگر کمک کردم اما در همان حال مرا کنار گذاشته با به نویس خودم کمک کشیدم حتی تعجب کردم که چطور اسم مباروری فیلم نگذاشتند من فایم را ندیدم اما آن طوری که از فیلم شنیدم فکر می کنم برابم بهتر بود که اسمم را برمی داشتند (می خنده) وقتی در حال ساخت بودیم برابم واقعاً موضوع اهمیت نداشت با یکی دوستهای واقعاً خوب Jeremy Davis این کار رو می کردم صادقانه بگویم فیلم را سه تا دوست واقعاً صمیمی با یک

مشت آدم می بر روی سینمایی ساختند من شیوایی که آن ها فیلم را پیش بردند دوست داشتم و نتیجه اش این شد که ما سه تا را از هم جدا کردند برای همین بود که من کنار کشیدم چه چیزی تو را به سمت تهیه یک فیلم کشاند؟ آیا در فیلم چیزی هست که موسیقی توان انجامش را ندارد؟ من می خواستم به دوستام کمک کنم به خاطر صنعت موسیقی و چیزهای دیگری که تجربه دارم فکر کردم که می توکم به آن ها کمکهای زیادی بکنم

آیا در آینده فیلمهای دیگری هم کار می کنی؟ چند سال پیش فیلم دیگری هم ساختم به اسم The Bum (سوختی) واقعاً خوب تر از اب فرامد یک فیلم کوتاه بود. واقعاً باحال بود بزمه من خواستم کار کشیم ولی برایان سینگر Bryan Singer (از مدیران تولید) مشغول به X-Men شد خیلی از آدمهایی که می شناختم مشغول X-Men شدند الان در نورتمو هستند راجع به آن در خانه من ساعتها و ساعتها صحبت کرده بودیم

آیا تو هم وقتی X-Men شدی؟ خب وقتی بچه بودم داستان های کمیک زیادی می خواندم من دوست برایان هستم پس فیلمها و این جور چیزها رو می خوانم ما با هم نظراتمان را رد و بدل می کردیم منظورم این است که من خیلی کاری بهافش داشتم ولی دم و دستگاشان را وقتی در اوردم بودم دیدم من و برایان همکاری تحسین برانگیزی داریم

در آبیوم جدید به شخصیت هایی چون الیزابت و ماریا می رسیدیم آیا این شخصیتها وجود خارجی دارند؟ همه آن ها واقعی هستند تنها ماریا شخصیتی است که کاملاً واقعی نیست فقط ایده ای از کسی است که هنگام نوشتن POUND Here با من بود منظورم این است که او خود نمو کسی مرون چشمان یک دختر، ولی بسیار شبیه به خودم که روی یک لبه تلالا می کند و مطمئن نیستم که او از این طرف می افتد یا آن طرف این تم و مایه ای است که در قطعات جای گرفته برای همین منم سروکلش پیدا می شود الیزابت دوستی بود که وقتی ما برای تیزر اولین آلبوم آماده می شدیم با من بود و سفر رفتن منم کرده او را واقعاً آواره کرده بود. او هم عاشق من ترسید که به دوستی مان خیانت کند در حالی که من واقعاً خیانت نکردم اما او حتی دست به خودکشی زد و من نباید نقاشی را پس بدهم این قسمت از آهنگ کلان من یک دختر بودم I wish a was a girl واقعاً در مورد رویای خودکشی نیست چیزی که او را از خودی خود و دیوانه کرده بود و بقیه اش برای همه چیزهایی است که من و تو در حال از دست دادنیم ممکن است از یکدیگر دست بکشیم تا چیزی را تغییر بدهیم به بیان دیگر، انقضای ممکن



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نیست و چون به یک دختر نیستم نمی‌توانی حرف مرا بپذیر کنی.

دخترهایی که در موردشان می‌نویسی چه فکر می‌کنند؟  
من هنگام نوشتن هیچ‌کس را مقصد معرفی نمی‌کنم هیچ‌کس را استعجاب نمی‌کنم فقط علاقه به استعجاب کردن خودم دارم وقتی کسی را استعجاب می‌کنی، قضاوت می‌کنی، من این مسأله را با عموم در میان نمی‌گذارم.

پس این آهنگ‌ها را فقط برای انتقام نوشتم؟  
نه بدترین چیز در مورد به هم خوردن یک رابطه این است که به یکباره برای یکدیگر هیچ می‌شود. چطور می‌شود که کسی این همه ارزش داشته و بعد دیگر هیچ ارزشی نداشته باشد؟ این چیزی است که نوری رولف از همه چیز بیشتر (آر می‌دند Anna Begins) و لریابت (Goodnight Elizabeth) لازم نیست نگران چیزی باشند ترسند، ترست از آب فرساید ولی رولف مطمئن برای من ارزشمند است و در ضمن اگر نبود من نمی‌نوشتم این آهنگ‌ها را بنویسم این بخشی از وجود من است که همیشه درون آن هدایت و قطعا یک مفهومی دارد.

در متن آهنگ‌ها یک حس انسانی واقعی وجود دارد. در آن‌ها از شخصیت‌ها به عنوان قهرمان داستان حرف می‌زنی نوعی تاسوس برای یک جنبای واقعی خلق می‌کنند، انتخاب می‌خواهی، سیرک بازن.

آدم عجیب و غریبه چون من هم آن‌ها را قهرمان می‌نامم ولی این تنها یک شیوه ساختگی است تا این‌ها را بر زبان بیاورم که آن‌ها خود من هستند این تنها یک شیوه سرزنده که از گفتن این‌که من این کار را کردم و من فکر می‌کنم که ما اجتناب کنیم همین طور شعرا پیش می‌روند و تصاویر به نوسی به سرم حمله می‌برند و آن وقت است که دیگر خوارم را هم از من می‌گیرند. باغش به کار کردی؟

خبه من فرص خوب دارم ولی نمی‌توانم زودتر از ساعت پنج صبح از آن‌ها استفاده کنم و البته بحث خوب می‌خواهم صادقانه بگویم، نمی‌دانم مردم چطور به خوب می‌روند چیزی در مورد اجزای مرخصی فلان بعد - به نوسی - مثل - اجزای مرخصی فلان به هتیار می‌توانم و تسلیم شدن است ولی من نمی‌توانم این کار را بکنم. نمی‌توانم بدانش چیست.

فرموده انتخاب بگو.  
خبه انتخاب برای من همیشه مثل خاطرات و پادهاست.

فکر می‌کنم خاطرات مثل انتخاب هستند از آن خیلی استفاده می‌کنم. از تصویر فقط هم استفاده می‌کنم. خاطرات هم مثل فلان است که با یک نفر سوارش شوی و فلان را با خاطرات و انتخاب رفته شود باید بتوانی با

انتخاب آن نفر دیگر هم برای مسأله فقط این نیست که بار خودت را حفظ کنی باید هر دو نفر را زندگی کنی به نظر می‌رسد این چیزی است که من فکر به جانشین نیستم.  
فر الیسوم جدیدت قطعه‌های داری به نام آتوان Speedway من این حس را دارم که آن قطعه به لقبی خیلی نزدیک است.

آره یکی از اولین آهنگ‌هایی بودم که برای آلبوم نوشتم در مورد یک رابطه واقعی و لذت‌ناپذیر و کسی که عاقرانه نکلا من کند که از حلقه آن رابطه خارج شود وقتی به نظر می‌رسد که قادر نیستند و عاقرانه کنند میزان وقتی زمانش را حس می‌کنند بزرگ‌تر است چون من در طول آلبوم پسر خودم را فرزندم تا همین برایش پیداکنم حرفش هیچ نمی‌دیده نشکسته بیرون نماند بود اما در جریان ضبط من یک آهنگی برای نوشتن روی - برنامه ضبط در آنجا. I'm Out of here.

You (می‌خندد) آن آهنگ برای مدت زیادی با همین عنوان باقی ماند بعد هنگام پایان یافتن آلبوم من فکر کردم که چه اسمی برایش بگذارم که دو کلمه به ذهن رسید: بی‌باک، Devil و Dandelion و آتوان Speedway من یک روز کلمه را برطرف این دو کلمه کردم آتوان نام قطعی برای این قطعه است نمی‌دانم چرا ولی هست. من می‌دانم یکی از مسائل نزدیک در مورد CD این‌که مردم قطعات را با شماره آن می‌شناسند مثلاً می‌گویند من آهنگ شماره سه رو خیلی دوست دارم، عنوان بخشی از اثر هنری است مثل روی جلد کتابه بخش مهمی از اثر است متأسفم که هیچ‌کس اسم آهنگ‌ها را نمی‌داند.

خوب و خوش بیرون شدن آلبوم اول به یک خبرنگار گشتی، زندگی اغلب چیزها که می‌خوای ارزش معروضی حس می‌کنی که در حال معروضی فکر می‌کنم آهنگ‌ها را در این باره باشند - آیا هنوز همان

گونه حس می‌کنی؟

خب این انتقالی است که درست در مورد آتوان افتاد گاهی این‌جا بر فریزر لاس آنجلس می‌نشدم و حس می‌کنم که بوی موروم. نمی‌دانم فکر کنم قطعات واقعی هستند برای گزاره گیری از زندگی من به ویژه در تلاش فرفر کردن با مردم خیلی خوب نیستم و واقعا نمی‌توانم به احساس تو گوش بدهم که چطور حس می‌کنی، یا حتی به تو بگویم من چه حس می‌کنم ولی می‌توانم یک قطعه را بنویسم.

به نظر می‌رسد آهنگ‌ها با میلیون‌ها آدم عمیقاً از این لحاظ فروری می‌کنند.

آره ولی الزاماً نه برای یک فرد به خصوص آهنگ‌ها کلاً شیوهی برای رفتن به میان زندگی است واقعی بسیار تأثیر گذار در ایجاد ارتباط با هیئت ولی راه تأثیر گذاری برای ارتباط با کسی نیست که به تو بسیار نزدیک است.

وقتی مشغول ساخت اولین آلبوم بودی در این مورد صحبت کردی که می‌خواهی با آن - زخمی بر من - با بجای بگفتاری و این که - حرکتی خشن - باشد فکر می‌کنم چیزی که موردش صحبت می‌کردم این بود که به یاد منشی باشد این در آن زمان برایم بسیار مهم بود من می‌خواستم نشانم را باقی بگذارم باید این پیام را می‌رسد که من این‌جا هستم این از هر چیزی مهمتر بود هنوز هم هست مهمتر از خیلی چیزهای دیگر منظور این است که من تمام این کارها را فقط برای شادی و خوشحالی نمی‌کنم چرا فکر می‌کنی که این چنین است؟

تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که این یک مسأله شخصیتی است همیشه پیام بوده روز اول واقعا نیازمند این بودم که کسی شوم و از خودم بدم می‌آمد که کسی نباشم و حلاک کسی هستم این را از خیلی‌ها کوچک به یاد دارم از اولین خاطراتم است.

نمی‌خواستند که آدم بی‌هویتی باشم.

ما را به آن زمان‌ها ببر. قطعه جدیدی ماری به نام Hangin Around به نومی راجع به روزهای اولیه‌ات در برکلی است.

راجع به دورهای از زندگی‌ام است که من و دوستانم واقعاً وحشی بودیم. خیلی کارها می‌کردیم و تمام شب را بیرون بودیم. به کلیسای می‌رفتم و اجرای گروه‌ها را می‌دیدیم و خودمان شروع به کار کردن در گروه‌ها می‌کردیم. به نومی زندگی James Dean و Kerouac و Jack

و Neil Cassidy را زندگی می‌کردیم. با حداقل این طور به نظرمان می‌رسید با حال به نظر می‌رسیدیم باغوش بودیم. نومی بودیم. نومی گروه‌های را که بودیم همه این کارها را کردیم. واقعاً مهارت‌های عالی و شوخی بودیم. ولی بین خودمان باشه خیلی‌ها از آن‌ها ما به وحشت می‌داشتند. کجا می‌باشتم می‌رفتیم؟ حومه‌ها، مدرسه را می‌گذاشتیم. هرچه بیشتر و بیشتر آهنگ می‌نوشتیم کمتر به مدرسه می‌رفتیم. من فکر ساختمانی

کردم باقیانی کردیم. حرف می‌شنیدم کی می‌خواستند نامش کنه؟ منظورش این است که من آدم باغوش بودم. ولی نومی هیچ کلمه‌ای از این کارها خوب نبودم. به نومی چیز توهم بودم. با این زندگی کجا می‌خواستیم بریم؟ مدرسه‌هاست. چیه؟ هر آهنگ از نوشتن فکر می‌کنیم و حساب شده و وحشت‌ناک و همه نومی به

تفکرات بی‌حاشیه و غیرمعمولی چه می‌توانم بگویم. من می‌گویم که خیلی از مردم در دوره‌های این طور فکر می‌کنند. این گونه هستند.

تو خیلی چیز می‌خواستی؟  
تفکیری. فرار از تحصیل. نندم. پاپان تمام قبول نند. خوب نبود.

تو می‌خواست چه؟  
KID می‌خواستی. Hello Double. شامر مهاجر آمریکایی.

تو خیلی آبیرو و آبیرو رفتی و در تمام دنیا مشهور هستی. با این‌ها خیلی مشهوری. بعضی همسایه‌ها روی حلقه‌ها چاپ شده. خیلی‌ها نسخه‌ها از تو می‌خواستند. فروش رفت. حضور خودت را از تارهای دور

نگاه‌ها می‌دیدند. می‌گفتند که تو انگلیسی‌ای باید به یک سادگی‌ها و زندگی‌ها و این‌ها برای زندگی‌ها؟ خوب فقط هم نشسته‌ام. سیاه و سفید نگاه کرد.

چیزهایی هست که در موردشان خیلی سرخورده می‌شوم. روی انگلیسی‌ها با نومی می‌کنار ولی نه از جنبه بد رفتی از مردم و رسانه‌ها. نه در خسته‌شدم. هر مورد آن آهنگ نوشتی که همه را اکتفا کرد ولی من آهنگ‌ها را در مورد چیزهایی که حس می‌کنم می‌اوسم. رفتی چیزی را که از فریب می‌جوید. پیاده

می‌کنی. واقعاً خیلی واقعی هستی. ولی رفتی درباره‌اش دیگر و چیز دیگری می‌نویسی. خودت را کم می‌کنی و

گری می‌شوی. این چیزی نیست که بتواند کسی را موفق کند. عامل موفقیت حرکت به سوی خوشنحای خود و انجام کار در این باره است. سپس حتی اگر زندگی‌ات جای دیگری بگذرد باید به دنبال آن چیزها و احساسات بگردی و پیدایش کنی. بدون آن‌ها یک آشنایی اگر

راجع به یک سطره را که با حمل به سطره ساز شدن می‌نویسی و اگر این احساس واقعی باشد آهنگت واقعی و ارزشمند است. مردم فقط نمی‌خواهند کارهایی را بشنوند که با آن‌ها احساس نزدیکی کنند. مردم با

احساس تو مرتبط و نزدیک می‌شوند. نباید هم در همان جایی که شروع کردی بمانی. اگرچه آهنگ‌هایت باید همان باشد. هنر آن است که فکر را با دیگری و قالب جامد به آن‌ها بدهی. این فقط احساسات بشره

که به واسطه دیگری که برای مردم به شکلی قابل شنیدن، دیدن یا لمس کردن است ترجمه می‌شود. به نظر من ملایکی که تو را به شروع کردن وافته‌شده باید همیشه حضور داشته باشد. آدم‌های زیادی را دیدم که این استنباط را کم می‌کنند. این وقتی اتفاق می‌افتد که

از چیزی که واقعاً فروت هست دست می‌کشی. تو واقعاً برای حفظ اصالت گروهت خیلی لجاجت بودی. ما فقط کارهایی را می‌کنیم که فکر می‌کنیم برای گروه خوب است. خیلی از کارها را نمی‌کنیم. ما به پول

احتیاجی نداریم و نیازی هم نداریم که مشهور تر از این باشیم. چیزی برای سفر یک ساله آماده می‌شوی. چه چیزهایی با خودت می‌روی؟

یک DVD Player کوچک. طرم که می‌خواهم با خودم ببرم. چندتا فیلم از تروپو. طرم مثل چهار صد سه. Bed and Board و 400 Blows. یک کسی هم

مجموعه کتاب‌های گریک را بهم داده. یک سری کتاب هم دارم. می‌خوانم. گریک به اسم Dogs of God چیزی به اسم The Masters نوشته John

Fennell که در مورد بازی گلف است. من گلف‌بازی نمی‌کنم. شگفتا! هم اسم گریک و احتمالاً نوشتنی هم ندارم. ولی خوشنم راجع بهش را جالب دیدم. واقعاً عجیب است. یک جایی می‌گفته که می‌کنی برآمدن آن بالا باستانه

و گریک می‌کنند. گریک کتاب The Sport by Richard Ford را خواندم. حالا دوباره می‌خوانم. بخوانش. کتاب عالی به رفتی که کنی پولتیز می‌برد

باید خوب باشد، نه؟  
آیا چیزی برایت مهمی ترانه؟  
نمی‌دانم. طرفت با من به آن‌ها نشان که به حرفه من رفتی. نزارند احترام می‌گذارم پولتیز خوب است ولی

Grammy از فراموش کن. حتی با گرفتن پول هم حاضر نیستم. به Grammy بروم. فکر کنم یکی شو برده باشی. نمی‌دانم شاید هم نبرده باشم.

این قدر برایت کامیاب است؟  
گاستنک بیستم و ششم بیستم و هفتم ۲۲

خوبه این یکی هیچ اهمیتی ندارد. آن‌ها احتمالاً خسته هستند. بین جایزهای آن چه کسانی می‌برند. هر سال بهتر از سال قبل منظور این است که آیا باید از

برنشان احساس افتخار کنی؟ یک سالیه برای فروش است. با این حال پارسال بعضی از جایزهاش بجا بود. من هم اگر ناور بودم یک چیزی به Lauryn Hill می‌دادم که گاهی به نارت نارت و نقد با هم تلاقی

می‌کنند. ولی آدم‌های Grammy هیچ کسی از موسیقی ندارند. پادشاه می‌آید! آن‌ها جایزه بهترین Metal Heavy را به Jeff Tull دادند. من از طرفداران Jeff هستم. ولی آن آدم‌ها فکر

می‌کنند طرفه چه کار می‌کنند؟ برای آن‌ها هرگز و احترامی نماند. فقط نیست.

به چه موسیقی‌های گوش می‌دهی؟  
آه و واقعاً به Bootleg فکر می‌کنم. این اجراهای زنده

کی‌ها، واقعاً مرا دوباره هیجان زده می‌کنند. وقتی به چه بودم تمام وسوسه و دل‌مشغولی‌ام گشتن. نومی فضا صفحه‌های دست دوم بود. تمام روز با صرف این می‌کردم که کنش‌ها را به خانه ببرم. ولی می‌فکری آن

هر چیزی را که دلم بخواهد می‌توانم بخرم و کمی سخت است که دوباره آن احساس لذت و هیجان را دوباره به دست آورم. پس گشتن دنبال این Bootlegها کسی به آن حس نزدیک است.

وقتی در سفر هستی دلت برای چه چیزی بیشتر از همه تنگ می‌شود؟  
فکر می‌کنم برای دوستانت. یک خانه بزرگ دارم و همه

دوستام به نومی با من زندگی می‌کنند. اعضای گروه در سفر همراه هستند و کسی را خستادم می‌کنند. قدم برای اتوبوس سواری نومی جانانه و نوآشن من تنگ شده

بعضی وقتها نهای هم خوشایند است. اگر یک گروه را که موفق نشدند، دوست داشتم چه کار کنی؟

یک چیز احتمالاً منظور این است که من برای هیچ کاری مناسب نیستم. من تقریباً از تمام کارهایی که نامشتم افراخ شده خیلی راحت نیستم که حتی از شغل

موسیقی هم افراخ شوم. ولی من شدم. چه چیزی من احساس را حجاب می‌کنند؟  
من هنوز هم سن فرانسسکو را دوست دارم. من به همه

دنیا سفر کردم و هیچ جایی آنقدر زیبا نیست. نمی‌توانی تا پیش از این که از آن خارج شوی ترک کنی که یک شهر چه اندازه از گذشته است. ولی از نظر هنری و نقد بسیار فعال تر از این حس می‌زدم. کلاً شهر هنرمندان است. بزرگترین اجتماع می‌کنی. آدم‌های آن

مراحل کار کردن هستند. سن فرانسسکو شهری است که همه نومی آن تقلا می‌کنند. اما کار زبانی درش شکل نمی‌گیرد.

زمستان ۱۹۹۵/۸۶ گروه The Recovering Satellites به همان شیوه آلبوم اول ضبط می‌شود.

۸ اکتبر ۱۹۹۶ آلبوم با تولیدکنندگی گیل نورتون Gill Norton منتشر می‌شود.  
۲۰ اکتبر ۱۹۹۶ آلبوم در فهرست Bill board شماره ۱ می‌شود.

۲ نوامبر ۱۹۹۶ دویرتز از تاجیه زانو آسیب می‌بیند و در همان حال گشایش برنامه را در کنار Beacon نیویورک ادامه می‌دهد. برنامه‌های بعدی لغو شده و در تعطیلات کریسمس تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد.

۲۱ ژوئن ۱۹۹۷ گروه در فستیوال راک Black buster در ولانس در مقابل نیمه‌میلیون نفر برنامه اجرا می‌کند.

نوامبر ۱۹۹۷ This در T نوامبر منتشر می‌شود.



پانوشته‌ها

۱. Tired Rock نمی‌کلی

با این که صدای Tired Rock نمی‌کلی با فریاد انگلیسی خود متفاوت است اما زیبایی شناسی یکسانی دارند. قسمت دوم در زمینه تکنیکشن و ریتم و راک الکتریک نغمه ۶۰ قسمت Tired Rock تکلیس بر پایه ریتم و تکنیک آن است اما نغمه نمی‌کلی آن است تا اثری چون جوی و بدبختی بر پایه ریتم است.

و Alan Brothers و The Gulsaid Dead در پیشگام Tired Rock نمی‌کلی بودند و

تکنیکشن و Stones و Faces و Rolling Stones با نقد این نوآرگان Tired Rock نمی‌کلی

Block Crown و Georgian Satellites. از اولیست بعد حدیث ظهور کرده که با صدای راک

Wide Speed Paris ملی مله و به تفریح طرفداران بیشتری پیدا کرد. در اولیست بعد ۶۰ کی‌گرام

تکنیکشن Neo-Dead با صدای بعدی در ایرعا جایگش در میان شهرت‌ها در مکزیک گردانی

بین Fish, Blues Traveler و

مجموع آلبوم‌ها نام این مکان قرار داد.

The Wallflowers : Breach [2000]

The Balkn Crows : Southern Harmony And Musical Companion [89]

Dave Matthews Band : Under the Table & Dreaming [94]

widespread Paris : Space Wrenger [90]

Fish : Picture Nictar [91]

Axele & The Skowfish : Cracked Near View [94]

Counting Crows : August And Everything After [92]

[Adult Alternative Pop/Rock] Adult Alternative Pop/Rock 1

این آلبوم در ژانر آلترناتیو راک که مستقیماً از راک می‌آید. طرد موسیقی‌اش و سبک‌های گوناگون اولیست

بعد ۵۰ آلبوم Folk Rock و Jungle Pop. Synth Pop و نئات گروه است Adult

Alternative و سبک‌های مستقیم ترکیب شده و پوری متفاوت کنی‌نغمه و با این که این اثر رده فر

تقریباً نظریه‌ها هم در زمینه صدا و اثر و نظر احساسات با گریز و ریتم تر است. موسیقی‌اش هیولیک

و با صدای راک‌شیک است که هرگز نه بسوزد بلکه نه بسوزد تا همی است.

بعضی از آلبوم‌ها

Los Lobos : Just Another Band From East L.A. A Collection [90]

Suzanne Vega: Solitude Standing [87]

Kinky Mc Cull : Galore [90]

Indigo Fils : Indigo Girls [86]

David Matthew Band : Under the Table & Dreaming [94]

Toad the wet Sprockel : Fear [91]

Porthead : Donny [94]

Counting Crows

۱۹۸۸ خواننده آدام دویرتز Adam Duritz و نوازنده گیتار دیوید برسون David Bryson توسط آبر گلرک David Immergluck موسیقی‌دان منقله بی سلفرسانسکو به یکدیگر معرفی می‌شوند و از آن پس به نوشتن موسیقی می‌پردازند.

۱۹۹۰ دویرتز و برسون به صورت دولت آکوستیک در کلمبیا و کلومبهای کوچک به اجرا می‌پردازند. آن‌ها هم خود را از یک شعر شب‌گویی انگلیسی موسوم به Counting Crows بر می‌گزینند.

اگوست ۱۹۹۱ دویرتز و برسون نوشتن سحنه موسیقی منطقه بی به ناهای منت ملی Matt Malley (گیتار باس)، چارلز گیلینگهام Charles Gillingham (کیبورد) و استیو بومن Steve Bowman (درام) خود را برای ضبط یک آلبوم فری می‌خوانند و سپس در کلومبهای سلفرسانسکو اجرای قطعات را آغاز می‌کنند.

آوریل ۱۹۹۲ Counting Crows با کمپانی ضبط DGC قرارداد می‌بندد

ژوئن ۱۹۹۲ باب دیزن در گشایش کنسرت گروه در لوس آنجلس حضور می‌یابد.

پاییز زمستان ۱۹۹۲ Counting Crows آلبوم خود August and Everything After

را اگوست و همه چیز بعد از آن را در خانه اجزایی مبتنی در

برهاری مازبود ضبط می‌کند. آن‌ها در طول این مدت در محوطه ساخت‌مان زندگی می‌کردند.

به ۱۹۹۲ در گفت‌وگو کنسرت بن مریسون Van Morrison چشمان راک Rock and Roll Fame Involution حضور می‌یابد.

اگوست ۱۹۹۲ فن ویکری Van Vickyey نوازنده گیتار به گروه می‌پیوندد.

سپتامبر ۱۹۹۲ August and Everything After با تولیدکنندگی T-Bone Burns تهیه کننده آلبوم گاستلو Elvis Costello Los Lobos روی آلبوم‌ها

Roy Orbison منتشر شد.

اکتبر ۱۹۹۲ Counting Crows تور می‌گذارد و در گشایش کنسرت‌های

Cranberries و Suede, Midnight Crows در زمستان ۱۹۹۲ مجله Rolling Stones آلبوم August and Everything After را یکی از بهترین آلبوم‌های راک سال می‌نامد و درجه چهار ستاره را برای آن در

می‌گیرد.

به ۱۹۹۲ آلبوم گیل لیوم Counting Crows به فهرست دویست ترازه برتر Bill board راه می‌یابد.

به ۱۹۹۲ گروه در Saturday night Live حضور می‌یابد.

قبل ۱۹۹۲ Bill board شماره ۲ را تصاحب می‌کند و ۹۲ هفته در جدول پاپی

مقد.

تو سپتامبر ۱۹۹۲ Counting Crows جایزه بهترین هنرمند جدید در ویدئو

Mr. Jo می‌برد.

دسامبر اکتبر ۱۹۹۲ نوازنده درامین مایز Ben Mize جایگزین بومن می‌شود.

ژان ۱۹۹۲ اولین تور گروه در اروپا.

۱۹۹۵ گروه در جشنواره موسیقی آمریکا American Music Award برنامه

هنرمند محبوب (Favorite Artist) در موسیقی آلترناتیو می‌شود.